

کتاب یوئیل و کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتیست‌های روز هفتم - شماره سیزده

Jeff Pippenger

2025-12-18

شماره سیزدهم

ما در حال حاضر به نماد نبوی 1863 می‌پردازیم. توجه خود را بر قادیان کتاب مقدسی متمرکز کرده‌ایم، به‌عنوان نمادی از عصیان اسرائیل باستان بر ضد «آرامی» که مرگ آنان را در طی دوره‌ای به بار آورد که در قادیان به اوج خود رسید؛ و بدین‌سان، رد شدن «راه‌های قدیم» ارمیا را در سال 1863 به تصویر می‌کشد، آنگاه که «هفت زمان» مذکور در لاویان بیست‌وشش رد شد.

در پی نور مرتبط با قادیان و ۱۸۶۳، ما در حال شناسایی ده آزمونی بوده‌ایم که تا قادیان امتداد یافتند. ما سه آزمون نخست را به‌عنوان آزمون متا‌شناسایی کرده‌ایم. آن سه مرحله را می‌توان به‌صورت معجزات یا آزمون‌ها بازنمایی کرد، و آرامی سبت، که نخستین آن ده آزمون است، با دهمین آزمون مطابقت دارد؛ آزمونی که پولس در عبرانیان آن را به‌روشنی «آرامی» معرفی می‌کند. آن ده آزمون دارای یک آرامی‌الفا و یک آرامی‌امگا هستند.

مهم نیست که یک دانشجوی نبوت بخواهد «آن آرامی» را که عبرانیان در قادیان رد کردند چگونه تعریف کند—زیرا از لحاظ نبوی، هر «آرامی»‌ای (حکم بر حکم) به «آرامی و تازگی» اشاره دارد که همان باران آخر است. قادیان نمادی برجسته از رد پیام باران آخر و نیز تجربه باران آخر است، زیرا آن مهرشدنی که بر صد و چهل و چهار هزار تن در قادیان انجام می‌شود، استقرار در حقیقت است، هم «از لحاظ فکری و هم از لحاظ روحانی».

«به‌محض آن‌که قوم خدا بر پیشانی‌های خود مهر شوند—نه مهر یا نشانی که دیده شود، بلکه استقرار در حقیقت، هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ روحانی، به‌گونه‌ای که نتوان آنان را متزلزل ساخت—به‌محض آن‌که قوم خدا مهر شوند و برای غربالگری آماده گردند، آن فرا خواهد رسید. در واقع، این امر هم‌اکنون آغاز شده است؛ داورهای خدا اکنون بر زمین وارد آمده‌اند تا به ما هشدار دهند، تا بدانیم چه چیزی در پیش است.» The Seventh-day Adventist Bible Commentary, volume 4, 1161

«جای گرفتن» «از لحاظ فکری» «در حقیقت» بیانگر پذیرفتن روش‌شناسی «خط بر خط» به‌عنوان یگانه و تنها رویکرد تقدیس‌شده در مطالعه کلام خداست. این رویکرد محدود در اوت 1840 به‌عنوان رویکرد درست تأیید شد، زمانی که «انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوی پذیرفته‌شده از سوی میلر و همکارانش متقاعد شدند، و به جنبش آمدن، نیروی محرکه‌ای شگفت‌انگیز بخشیده شد.» این «نیروی محرکه شگفت‌انگیز» بیانگر ظهور قدرت روح‌القدس است که در سال 1840 پیام فرشته اول را به سراسر جهان فرستاد.

کسانی که در کاری که نمایانگر «انگیزش شگفت‌انگیز» بود مشارکت داشتند، به‌واسطه قدرت روح‌القدس برای انجام همان کار توانمند شدند. روح‌القدس قدرت خود را تنها در میان کسانی آشکار ساخت که روش‌شناسی مقدس را پذیرفته بودند. روح‌القدس قدرت خود را تنها در درون کسانی آشکار ساخت که روش‌شناسی مقدس را پذیرفته بودند.

اقامت یافتن در حقیقت از نظر فکری، همانا پذیرشِ روشِ «خط بر خط» است، و «پذیرشِ» روشِ «خط بر خط» برای یک لائودیکہ ای، بہ صورت گشودہ شدن در دل برای ورودِ پیامِ آورِ لائودیکہ در شخصِ روح القدس بہ تصویر کشیدہ می شود۔ پذیرشِ این روشِ مقدس، قدرتِ روح القدس را بہ ذہنِ کسانی وارد می سازد کہ از نظر فکری در حقیقت اقامت می یابند۔ پذیرشِ آن روش، روحانیتی پدید می آورد کہ بہ صورتِ اتحادِ الوہیت با انسانیت بہ تصویر کشیدہ می شود۔ بہ کارگیریِ روشِ کتاب مقدسیِ «خط بر خط»، ہنگامی کہ با ایمان آمیختہ گردد، بہ صورتِ اقامت یافتن در حقیقت از نظر فکری بہ تصویر کشیدہ می شود، و حقیقتی (پیامی) کہ این روش پدید می آورد، از عیسی کہ کلمہ است، جدایی پذیر نیست۔ پذیرفتنِ پیامِ کلامِ او، بہ معنای پذیرفتنِ روح القدس در ذہنِ خویش است۔ از این رو، اقامت یافتن در حقیقت از نظر فکری، آن تجربہ روحانی را پدید می آورد کہ مہرِ تأییدِ خدا را دریافت می کند۔

قادیس برای اسرائیل باستان آزمون نہایی بود۔ دو گروہ می خواران در کتابِ یوئیل، بر پایہٗ ردّ یا پذیرشِ پیامِ بارانِ آخر از یکدیگر جدا و متمایز می شوند؛ پیامی کہ یوئیل آن را در تقابل با شرابِ تخمیر شدہ ای کہ گروہ دیگر می نوشند، «شرابِ نو» می خواند۔ «شرابِ نو» یوئیل همان «آرامی» پولس در عبرانیان سہ و چہار است۔ همچنین همان چیزی است کہ «مستانِ افرایم» در اشعیا از «شنیدن» آن سر باز می زنند—«کہ بہ ایشان گفت: "این است آرامی کہ با آن می توانید خستہ را آرامی بخشید، و این است تازگی:" اما نخواستند بشنوند۔ پس کلامِ خداوند برای ایشان بر حکمی بعد از حکمی، حکمی بعد از حکمی؛ بر خطّی بعد از خطّی، خطّی بعد از خطّی؛ این جا اندکی و آن جا اندکی بود؛ تا بروند و بہ عقب بیفتند و شکستہ شوند و در دام افتند و گرفتار گردند۔»

ہم نے شناخت کیا ہے کہ ہارون کے سنہری بچھڑے کی بغاوت اُن دس آزمائشوں میں سے 'دو' کی نمائندگی کرتی ہے جو قادیس پر اختتام پذیر ہوتی ہیں۔ اُس آزمائش کا دو آزمائشوں میں تقسیم ہونا لیٹر رین کے آزمائشی عرصہ کے مطابق ہے، جس کی نمائندگی "test of the beast" کرتی ہے، اور یہی وہ آزمائش ہے جو خدا کے لوگوں کی تقدیر کا تعین کرتی ہے۔ مکاشفہ تیرہ 'بغاوت' کی نشان دہی کرتا ہے، کیونکہ عدد 'تیرہ' بغاوت کی نمائندگی کرتا ہے۔

فصل با وحش دریایی پاپی آغاز می شود؛ عالی ترین نمادِ عصیان بر زمین، زیرا دانیال آن را قدرتی معرفی می کند کہ سخنانِ بزرگِ علیہ حضرتِ اعلیٰ بر زبان می آورد۔ آن عصیان، بہ دنبال خود، با عصیانِ وحشِ زمینی، یعنی ایالاتِ متحدہ، پی گرفته می شود؛ کہ سپس تمامِ جہان را وادار می سازد تا از نمونہٗ عصیانِ آنان پیروی کنند۔ الگوی سومین عصیان در این فصل، در نخستین این سہ عصیان یافت می شود کہ بہ صورتِ وحشِ دریایی، یعنی نمادِ واتیکان، ارائه شدہ است۔ در آیہ یازدہم، ایالاتِ متحدہ همچون اژدہا سخن می گوید و بدین سان صورتی برای وحش پدید می آورد—صورتِ واتیکان۔ از آیہٗ دوازدهم بہ بعد، ایالاتِ متحدہ جہان را وامی دارد کہ همان را انجام دہد۔ عصیانِ ہارون دوگانہ است و نمایانگرِ عصیانِ ایالاتِ متحدہ، و سپس عصیانِ تمامِ جہان است، آنگاہ کہ صورتِ جہانی واتیکان بہ اجرا گذاشتہ می شود۔

بغاوتِ ہارون دونوں آدوار کی نشاندہی کرتی ہے: ایک وہ جو اُس وقت بُت پرستی کی صورت میں ظاہر ہوا جب موسیٰ وہاں موجود نہ تھے، اور دوسرا وہ جو اُس وقت بُت پرستی کی صورت میں ظاہر ہوا جب موسیٰ وہاں موجود تھے۔ موسیٰ شریعت حاصل کر رہے تھے، اس لیے وہ بغاوت میں امتیازی نقطہ کے طور پر خدا کی شریعت کی نمائندگی کرتے ہیں۔ ہارون کی سنہری بچھڑے نما حیوانی مورت کے ذریعے ظاہر ہونے والی آزمائش 1863 کی آزمائش ہے۔

این آزمون قانونِ یکشنبہ است کہ خطّ فاصل میانِ حیات و مرگ را نشان می دہد۔ این همان خطّ فاصل میانِ سرزمینِ موعود یا مرگ در بیابان، خطّ فاصل میانِ نشانِ وحش یا مہرِ خدا، و خطّ فاصل

میان سرنوشتِ شینا، لائودیکیه‌ای، یا الیاقیم، فیلادلفیایی است. سه آزمون نخست، که به وسیلهٔ مَنّا بازنمایی می‌شوند، نمادِ جدالِ سیّت یا یکشنبه هستند، همچنان‌که آزمونِ دهم نیز چنین است. خطّ فاصلی که در شورشِ گوسالهٔ زرین هارون، که نمایانگرِ هر دو آزمون پنجم و ششم است، ترسیم شده—همان قانونِ یکشنبه است.

چوتها امتحان مسّاه کے پانی پر تھا، جس کے معنی 'آزمائش' ہیں، اور مربیہ، جس کے معنی "یہوواہ کا علّم" ہیں، اور اس کا ذکر خروج 17:1-7 میں ہے، جہاں اسے براہِ راست "خداوند کی آزمائش" قرار دیا گیا ہے۔

و تمامی جماعت بنی اسرائیل، مطابق سفرهای خود و برحسب فرمان خداوند، از بیابان سین کوچ کرده، در رفیدیم فرود آمدند؛ و در آنجا برای نوشیدن قوم، آبی نبود. پس قوم با موسی مخاصمه کرده، گفتند: یہ ما آب بدہ تا بنوشیم. و موسی بدیشان گفت: چرا با من مخاصمه می‌کنید؟ چرا خداوند را می‌آزمایید؟ و قوم در آنجا تشنهٔ آب بودند؛ و قوم بر موسی ہمهمہ کرده، گفتند: چرا ما را از مصر برآوردی تا ما و فرزندان ما و مواشی ما را از تشنگی ہلاک کنی؟

و موسی نے خداوند سے فریاد کی اور کہا، میں اس قوم کے ساتھ کیا کروں؟ یہ تو قریب ہیں کہ مجھے سنگسار کر ڈالیں۔

و خداوند به موسی گفت: پیشاپیش قوم برو، و چند تن از مشایخ اسرائیل را با خود ببر؛ و عصای خود را که با آن نهر را زدی، در دست خویش بگیر و روانه شو. اینک من در آنجا، بر صخره‌ای در حوریب، پیش روی تو خواهم ایستاد؛ و تو صخره را خواهی زد، و آب از آن بیرون خواهد آمد تا قوم بنوشند. و موسی در برابر دیدگان مشایخ اسرائیل چنین کرد.

اور اُس نے اُس جگہ کا نام مَسّہ اور مَربیہ رکھا، بنی اسرائیل کے جھگڑنے کے سبب، اور اس لیے کہ انہوں نے خداوند کو آزمایا اور کہا، کیا خداوند ہمارے درمیان ہے یا نہیں؟ خروج 17:1-7.

آزمایش "Massah" represented by "و نشانی Meribah" represented by "یک الف نبوی را تشکیل می‌دهند که به اومگای نبوی خود می‌رسد هنگامی که موسی همان صخره را برای بار دوم می‌زند. این بدین معناست که چهارمین ده تحریک در قادش represented می‌شود، زیرا قادش دوم همان‌جاست که موسی در عصیان صخره را می‌زند. این امر نشان می‌دهد که قادش، به‌عنوان یک نماد، شامل آزمون آب است که نشانی پدید می‌آورد.

آزمایش آبی که علّم را پدید می‌آورد، آزمونِ پیام بارانِ آخر است. سال 1863 زمانی بود که می‌بایست علّم برافراشته می‌شد، اما افسوس؛ 1863 فقط قادشِ نخستین بود، و قادشِ دوم در قانونِ یکشنبه‌ای است که به‌زودی خواهد آمد. مَسّہ و مَربیہ نمایانگرِ آزمونِ نهایی برای آن یکصد و چهل و چهار هزار نفرند، درست پیش از آن‌که در قانونِ یکشنبه به‌عنوان علّمی برافراشته شوند. این نه اقتدارِ روم بود و نه اقتدارِ یهود که مرگِ مسیح را ترتیب داد. آن اقتدار، در مشورتِ آسمان، اعصارِ بسیار پیش از صلیب، مقرر شده بود. موسی عصای خود را به کار برد، عصایی را که خودِ خدا آن را مسح کرده بود تا صخره را بزند— اما فقط یک بار. آن صخره، بنا بر الهام، به‌وسیلهٔ پیام‌های 1840 تا 1844 نمایانده شده است، که همان حقایقِ بنیادینِ کهن‌اند که طریقِ عادلان را نمایندگی می‌کنند. در آزمونی که به‌وسیلهٔ مَسّہ نشان داده شده است، آبی که نجات می‌بخشد، همان آبی است که از صخرهٔ راه‌های کهن بیرون می‌آید. آن آب دو طبقه را می‌آزماید و پدید می‌آورد: یکی برای نشانِ وحش و دیگری برای مهرِ خدا، چنان‌که با مهرِ خدا بر آنان که به‌عنوان علّمی برافراشته می‌شوند، آن‌گونه که به‌وسیلهٔ مَربیہ نمایانده شده است، نشان داده می‌شود.

ہیکل پیش از فرمان سوم اردشیر به اتمام رسید، و این امر ثابت می‌کند کہ ہیکل میلریتی کہ مسیح آن را در مدت ۴۶ سال، از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، برپا ساخت، پیش از فرشتہ سوم، کہ با رسیدن فرمان سوم نمایان شدہ است، کامل شدہ بود۔ صد و چہل و چہار ہزار تن درست پیش از قانون یک‌شنبہ مہر می‌شوند؛ آنگاہ ایشان، همچون ایام قدیم، بہ عنوان عَلم و ہدیہ نوبرہای پنتیکاست برافراشتہ می‌گردند۔ مسا و مریبہ آزمون آب را مشخص می‌سازند کہ در تاریخ فرشتہ اول و سوم، بہ وسیلہ پیام فریاد نیمہ شب نمود یافتہ است۔

کار پیوند دادن الوہیت با انسانیت همچنین بہ صورت پیوند دو ہیکل نیز بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ همچنین بہ عنوان ازدواجی تصویر می‌شود کہ در آن مرد و زن، یا ہیکل مؤنث و ہیکل مذکر، بہ ہم می‌پیوندند و یک تن می‌شوند۔ مسیح ہیکل میلری را برپا ساخت تا ایشان را بہ ہیکل آسمانی خویش ہدایت کند، جایی کہ «آرامی» می‌یافتند؛ آرامی‌ای کہ در تاریخ ۱۸۴۴ بہ وسیلہ سبت روز ہفتم نمودار شد۔

ہنگامی کہ این فہم از مسہ و مریبہ، بہ عنوان آزمون چہارم، در میان آزمونی آغازین کہ خود نیز نمایانگر سہ آزمون است بہ کار بردہ شود، و سپس شریعت یکشنبہ آزمون‌های پنجم و ششم در پی آن آید—آنگاہ می‌توانید ببینید، اما تنها اگر مایل بہ دیدن باشید، کہ آزمون سہ گانہ منّا، آزمون نخست است، و پس از آن آزمونی قرار دارد کہ بر آزمون دو گانہ سوم گوسالہ طلایی ہارون پیشی می‌گیرد۔ مسہ و مریبہ با ہم بازنمایی شدہ‌اند، زیرا تنها در پیام فرشتہ دوم است کہ یک «دوبرابردگی» نبوی یافت می‌شود۔ سہ آزمون نخست منّا، پیام فرشتہ اول هستند۔ آزمون مسہ و مریبہ، پیام فرشتہ دوم است و شورش ہارون، پیام فرشتہ سوم است۔

پانچویں آزمائش ہارون کے سنہری بچھڑے کی آزمائش ہے، جو بت پرستی کے ایک ظہور سے شروع ہوتی ہے، جب باغیوں نے یہ گمان کیا کہ ان کی برہنہ بغاوت خدا سے پوشیدہ ہے۔

اور چون قوم دیدند کہ موسیٰ در فرود آمدن از کوہ تأخیر می‌کند، نزد ہارون گرد آمدند و بہ او گفتند: برخیز و برای ما خدایانی بساز کہ پیشاپیش ما بروند؛ زیرا این موسیٰ، آن مردی کہ ما را از سرزمین مصر بیرون آورد، نمی‌دانیم چہ بر سر او آمدہ است۔ و ہارون بہ ایشان گفت: گوشوارہ‌های طلایی را کہ در گوش‌های زنانان و پسرانان و دخترانان است، از گوش بیرون آورید و نزد من بیاورید۔ پس تمامی قوم گوشوارہ‌های طلایی را کہ در گوش‌های خود داشتند، از گوش بیرون آوردند و نزد ہارون آوردند۔ و او آنها را از دست ایشان گرفت و با قلم حکاکی آن را صورت بخشید، پس از آنکہ گوسالہ‌ای ریختہ شدہ ساخت؛ و ایشان گفتند: ای اسرائیل، اینان خدایان تو هستند کہ تو را از سرزمین مصر بیرون آوردند۔ و چون ہارون آن را دید، مذبحی در برابر آن بنا کرد؛ و ہارون ندا درداد و گفت: فردا عیدی برای خداوند خواہد بود۔

اور اگلے دن وہ صبح سویرے اُٹھے، اور سوختنی قربانیاں چڑھائیں، اور سلامتی کی قربانیاں پیش کیں؛ اور لوگ کھانے پینے کے لیے بیٹھ گئے، اور کھیل کود کے لیے اُٹھ کھڑے ہوئے۔ خروج 32:1-6۔

ششمین آزمون، بخش دوم شورش گوسالہ زرین است، آنگاہ کہ موسیٰ از دریافت دہ فرمان باز می‌گردد۔ موسیٰ می‌پرسد: «کیست کہ بہ جانب خداوند باشد؟» اکثریت منفعل ماندند یا با بت پرستان ہم سو شدند و همان شورش را آشکارا در حضور میانجی ظاہر ساختند۔

آزمون‌های پنجم و ششم بہ روشنی نمونہ و منطبق با قانون یکشنبہ‌اند۔ ایلیا بر کوہ کرمل پرسشی همانند آنچه موسیٰ مطرح کرد، می‌پرسد۔ «امروز برگزینید کہ whom را خدمت خواہید کرد»، بہ آزمون قانون یکشنبہ اشارہ دارد۔ نمادپردازی آزمون تصویر وحش بہ قانون یکشنبہ دلالت می‌کند۔ جدایی لاویان در داستان ہارون و جدایی دوازده سبط در داستان دو گوسالہ زرین یربعام، جدایی دانایان و نادانان را در ہنگام قانون یکشنبہ مشخص می‌سازد۔ لاودیکیان همان باکرہ‌های نادانانند،

چنان‌که خواهر وایت بر آن شهادت داده است؛ و از این‌رو، جدایی باکره‌ها در قانون یکشنبه، همان جدایی لاودیکیان و فیلادلفیان است. آزمون‌های پنجم و ششم، که یک آزمون دوجهی هستند، با قانون یکشنبه منطبق‌اند، و این بدان معناست که با ۱۸۶۳ و قادش نیز منطبق‌اند.

باب‌های سی‌ودوم و سی‌وسوم خروج در همان روز بعینه، تنها با فاصله چند ساعت، به انجام می‌رسند، و آن روز نمونه 1863 و قادش است. در باب سی‌وسوم، موسی درخواست می‌کند که جلال خدا را ببیند. بنابراین، ما موسی را در وسوسه‌های پنجم و ششم می‌بینیم که به صد و چهل‌وچهار هزار تبدیل می‌شود. همان موسی نیز در قادش حاضر است و برای بار دوم صخره را می‌زند، و بدین‌سان نمایانگر گروهی است که به‌وسیله همان صخره‌ای خرد می‌شوند که نخواستند بر آن بیفتند. آن صخره یک پیام است، و از این‌رو در قادش دو نماد از موسی وجود دارد: یکی جلال خدا را ظاهر می‌سازد و دیگری صخره را رد می‌کند.

«بگذار آنان که چنان دیده‌بانان خدا بر حصارهای صهیون ایستاده‌اند، مردانی باشند که بتوانند خطرات را پیش از مردم ببینند—مردانی که بتوانند میان حق و باطل، پارسایی و ناپارسایی تمیز دهند.»

«این هشدار داده شده است: نباید اجازه داده شود چیزی وارد شود که بنیاد ایمان را، که از زمانی که پیام در سال‌های ۱۸۴۲، ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ آمد بر آن بنا می‌کرده‌ایم، بر هم زند. من در این پیام بودم، و از آن زمان تاکنون در برابر جهان ایستاده‌ام، وفادار به نوری که خدا به ما داده است. ما قصد نداریم پاهای خود را از آن سکویی برداریم که بر آن نهاده شدند، در حالی که روز به روز با دعای جدی خداوند را می‌طلبیدیم و در پی نور بودیم. آیا گمان می‌کنید که بتوانم نوری را که خدا به من داده است واگذارم؟ آن باید همچون صخره اعصار باشد. از همان زمان که به من داده شد، پیوسته راهنمای من بوده است.» Review and Herald, April 14, 1903.

یکی از نمادهای «موسی در قادش» این است که صخره را با عصا می‌زند؛ عصا نماد اقتدار است. بار نخست، این اقتدار از آن خدا بود و بار دوم، اقتدار انسان. گروهی که موسی در قادش دوم نماینده آنان است، به‌صورت مستان افرایم به تصویر کشیده شده‌اند؛ کسانی که از اقتدار الهیاتی خود (عصا) برای حمله به پیام باران آخر استفاده می‌کنند، که همان پیام راه‌های کهن ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ است.

«تمام پیام‌هایی که از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ داده شدند، باید اکنون با قوت عرضه شوند، زیرا بسیاری از مردم جهت‌یابی خود را از دست داده‌اند. این پیام‌ها باید به همه کلیساها برسند.»

مسیح فرمود: «خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا هرآینه به شما می‌گویم که بسیاری از انبیا و مردان صالح آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید ببینند، و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید بشنوند، و نشنیدند» [17] 13:16, 17] خوشا به حال چشمانی که آن چیزهایی را دیدند که در سال‌های 1843 و 1844 دیده شد.

«پیام داده شد. و در تکرار این پیام نباید هیچ تأخیری باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق‌اند؛ کار اختتامی باید انجام شود. کاری عظیم در زمانی کوتاه انجام خواهد شد. به‌زودی، به تعیین خدا، پیامی داده خواهد شد که به فریادی بلند فزونی خواهد یافت. آنگاه دانیال در قرعه خود خواهد ایستاد تا شهادت خویش را بدهد.» Manuscript Releases، جلد 21، 437.

نخستین آزمون منّا سه آزمون است. آخرین ده آزمون، آزمون فرشته سوم است. هم نخستین و هم آخرین، «استراحت» را به‌عنوان نماد آزمون نمایندگی می‌کنند. آزمون نخست سه آزمون است و نمایانگر فرشته اول است که فرشته دوم در پی آن می‌آید؛ اما آزمون چهارم، که در آن مهرگذاری و برافراشته‌شدن به مثابه علم مطرح است، به‌وسیله مسا و مربیه نمایانده می‌شود. فرشته سوم، که

بہ وسیلہٴ آزمون‌های پنجم و ششم نمایانده می‌شود، همان آزمون سوم است که پس از آزمون دوم مسأ و مریبہ و آزمون نخستِ مَنّا آمد.

آزمون ہفتم، تحریکی است کہ در تبعیراہ در اعداد ۱۱-۳ بیان شدہ است. آیاتی کہ آزمایشِ آتشینِ ایمان را کہ با «تبعیراہ» — بہ معنای «جای سوختن» — نمایانده شدہ است، معرفی می‌کنند، پیش از آن با آیاتی آمدہ اند کہ حرکتِ قومِ خدا را در بیابان مشخص می‌سازند. بی‌صبری‌ای کہ در باب دہم آشکار شد، با آن یک‌صد و چہل و چہار ہزار نفری در تقابل است کہ ہر جا برہ می‌رود، او را پیروی می‌کنند. اینان همان کسانی‌اند کہ صبرِ مقدسان را دارند؛ اما اسرائیل کھن در باب دہم بی‌صبری‌ای از خود ظاہر می‌ساخت کہ در باب یازدہم بہ محنتِ آتشینِ ایشان می‌انجامد.

و ایشان از کوہ خداوند بہ مسافتِ سہ روز کوچ کردند؛ و تابوتِ عہدِ خداوند در این سفرِ سہ روزہ پیشاپیش ایشان می‌رفت تا برای آنان جای آرامی بجوید. و ابرِ خداوند در روز بر ایشان بود، ہنگامی کہ از اردوگاہ بیرون می‌رفتند. و واقع شد کہ چون تابوت بہ حرکت درمی‌آمد، موسی می‌گفت: «ای خداوند، برخیز، و بگذار دشمنانت پراکنده شوند؛ و آنان کہ از تو نفرت دارند، از حضور تو بگریزند.» و چون می‌ایستاد، می‌گفت: «ای خداوند، بہ میان ربوہ‌های بسیارِ اسرائیل بازگرد.» اعداد 36-10:33.

آیت بعد تبعیرہ کی بغاوت کو متعارف کراتی ہے۔

او ہنگامی کہ قوم شکایت کردند، این امر در نظر خداوند ناپسند آمد؛ و خداوند آن را شنید، و خشم او افروختہ شد؛ و آتش خداوند در میان ایشان شعلہ‌ور گردید و کسانی را کہ در کنارہ‌های اردوگاہ بودند، سوزانید. پس قوم نزد موسی فریاد برآوردند؛ و چون موسی نزد خداوند دعا کرد، آتش فرو نشست. و او نام آن مکان را تبعیرہ نہاد، زیرا آتش خداوند در میان ایشان افروختہ بود. اعداد 3-11:1.

ہغہ پارونہ چپ د اور د خرگندہدو نہ وروستہ راغلل، د غوښې د خوراک د هوس په اړه وو، او دا اتم ازمیښت دی. دا په شمېرو 4:11-34 کې موندل کېږي. په تبعیہ کې شکایت د لورې فاسدې شوې فطرت استازولي کوي، د صبر نشتوالی، او د مصر د دی‌گونو د هوس بغاوت د ټیټې فطرت استازولي کوي. اور د ملاکي د درېیم باب د عہد د رسول لہ خوا په اور د تصفیې استازولي کوي، څ کہ چپ په نبوي ډول تبعیہ د سوځېدو ځای معنا لري، او د خدای په نبوي کلام کې د سوځېدو ځای په ملاکي درې کې واقع دی، چېرې چپ اور یوہ بې‌صبرہ طبقہ پیدا کوي چپ د پاکېدو لپارہ ټاکل شوې ده، او یوہ صابرہ طبقہ چپ د پورته کېدونکې نذرانې په توگہ تصفیہ کېږي.

وہ لوگ جو تبیرہ کی اعلیٰ اور ادنیٰ فطرت کی دوہری آزمائش میں موسیٰ کے ذریعے ممثل کیے گئے ہیں، وہ ایک لاکھ چوالیس ہزار ہیں جو سچائی میں عقلی طور پر بھی اور روحانی طور پر بھی قائم ہو چکے ہیں۔ عقل اعلیٰ فطرت کی شناخت کرتی ہے، اور روحانی طور پر الوہیت کے انسانیت کے ساتھ امتزاج کی نمائندگی کرتی ہے۔ الوہیت انسانیت کے ساتھ صرف اسی وقت متحد ہو سکتی ہے جب ادنیٰ فطرت مصلوب ہو کر مر چکی ہو۔ سچائی میں عقلی اور روحانی طور پر قائم ہو جانا مہر کیے جانے کے تجربہ کی نمائندگی کرتا ہے۔ تبیرہ کی آگیں مسیح کے اس کام میں، جس کے ذریعے وہ ایک لاکھ چوالیس ہزار کی ہیکل کو برپا کرتا ہے، گہیوں اور کڑوے دانوں کی آخری جدائی کی نمائندگی کرتی ہیں۔

نہمین آزمون، عصیانِ مریم و ہارون است کہ در اعداد 12 یافت می‌شود. این تحریک، بی‌شباہت بہ تحریک قورح، داتان و ابیرام، یا مینیاپولیس در سال 1888 نبود. مسئلہ صرفاً ردِ پیام خدا نبود، بلکہ ردِ انتخابِ خدا در رہبری نیز بود.

محکومیت رهنماؤں کی، جو نہ صرف پیغام بلکہ پیغامبر کو بھی رد کرتے ہیں، دسویں آزمائش سے پہلے واقع ہوتی ہے۔ قیادت اتوار کے قانون سے ذرا پہلے—جو دسویں آزمائش ہے—مرتدوں کے طور پر ظاہر ہوتی ہے۔ اتوار کا قانون صلیب کے مطابق ہے، اور صلیب کی راہ میں، جو اتوار کا قانون ہے، قیادت نے براباس کو چنا، جو ایک جھوٹا مسیح تھا، کیونکہ "bar" کے معنی ہیں 'کا بیٹا' اور "abba" کے معنی ہیں 'باپ'۔ صلیب (اتوار کے قانون) یا قادش کے قریب پہنچتے ہوئے، قیادت کامل ارتداد کا اظہار کرتی ہے، ایک جعلی مسیح کو اختیار کر کے، اور ساتھ ہی براہ راست شہری حکام کے سامنے یہ اقرار کرتے ہوئے کہ ان کا کوئی بادشاہ نہیں، سوائے قیصر کے۔

آزمون ہفتم، ہشتم و نهم، فرایند مہرشدن را شناسایی می کنند، اما تمثیل بہ کاررفته، تمثیل باکرہ گان نادان است۔ دهمین آن آزمون ها، نخستین شورش قادش بود که نماذ سال 1863 است۔ از 1846، عبرانیان بہ سینا آورده شدند تا شریعت را دریافت کنند۔ دو لوح ده فرمان، نماذ رابطه عہدی خدا با اسرائیل کهن واقعی است، و دو لوح حقوق، نماذ رابطه عہدی اسرائیل روحانی جدید است۔ لوح دوم در 1850 عرضه شد، و همان گونه کہ اسرائیل کهن تعہد کرد کہ شریعت را نگاہ دارد، تا 1856 آزمونی نہایی پدید آمد، چنان کہ در نمونه با رفتن جاسوسان بہ سرزمین موعود نشان داده شدہ است۔ نظر اکثریت کہ در طی ہفت سال، از 1856 تا 1863، شکل گرفت، این بود کہ بیابان لائودکیہ جایی است کہ ایشان می خواستند در آن بمیرند۔

دورہ 1844 تا 1863 با دورہ ای تمثیل می شود کہ با تعمید در دریای سرخ آغاز گردید و با تعمیدی دیگر در رود اردن پایان یافت، در همان مکان عیناً یکسانی کہ عیسی بعدہا ہنگامی کہ بہ دست یوحنا تعمید یافت، مسیح گردید۔ تعمید در دریای سرخ، رابطہ ای عہدی با اسرائیل باستان را مشخص ساخت۔ آن رابطہ با ازدواجی آغاز شد کہ هم زمان فرایندی دہ مرحلہ ای از آزمون را برانگیخت۔ سپس ایشان بہ سینا آورده شدند و وعدہ دادند کہ شریعت او را نگاہ دارند، اما چنین نکردند، و آنگاہ در نخستین شورش قادش، در دهمین و آخرین آزمون نیز ناکام شدند۔ پس از چہل سال، و پس از دومین و بزرگ تر شورش در قادش، آنان با تعمید یافتن در رود اردن وارد سرزمین موعود شدند۔

تمام نشانہ های راہ تعمید با عہد بہ یکدیگر پیوستہ اند۔ تاریخ اُمگا و قادش دوم، با تاریخ قادش نخست و آلفا ہمسو است۔ عصیان اُمگای موسی بسی بزرگ تر از عصیان تمام یک قوم در عصیان آلفای قادش بود۔ اُمگا ہموارہ بزرگ تر است۔ این ہر دو عصیان، با ہم، نمایانگر عصیان دانایان و نادانان اشعیا ہستند کہ از ورود بہ آرامی پیام باران آخر امتناع می ورزند۔

سہ تعمید (دریای سرخ، رود اردن و رود اردن)، نخستین از آن موسی و آخرین از آن مسیح؛ از این رو موسی آلفا و مسیح اُمگا است۔ حرف میان حرف اول و حرف بیست و دوم الفبای عبری، یعنی حرف سیزدہم، ہنگامی کہ ملحق شدہ و در پی حرف اول قرار گیرد، و آن نیز سپس بہ حرف آخر و بیست و دوم ملحق شود، واژہ عبری «حقیقت» را پدید می آورد۔ تعمید میانی، رود اردن و قادش بود۔ نخستین تعمید در دریای سرخ، با تعمید در اردن دنبال شد۔ اما نخستین تعمید در اردن، تا چہل سال بہ تعویق افتاد، تا دیدار دوم از قادش و تعمید واقعی اردن۔ تعمید سوم، کہ نمایانگر زمان تفقد برای یہودیان بود، فرا رسیدہ بود، آنگاہ کہ مسیح کار خود را برای استوار ساختن عہد بہ مدت یک ہفتہ، در تحقق دانیال باب نهم و آیہ بیست و ہفتم، آغاز کرد؛ و آن ساعت دآوری برای اسرائیل باستان بود۔

پہ سرہ بحر کہ لومری بیتسما د لومری پرنی تپ پیغام دی، او قادش تہ دوه ورت گونہ د «دوچندہ کبدو» استازیتوب کوی؛ خ کہ قادش تہ پہ لومری ورت گ او د اردن د سیند پہ پراو کہ د خدای د عہد د خلکو بغاوت ان خور شوی، او پہ دویم قادش کہ د مشرتابہ بغاوت خرگ ندی ری۔ قادش او دا دوه ورت گونہ د دویم پرنی تپ د پیغام د دوچندہ کبدو استازیتوب کوی، چہ پکپ دوه دلپ خرگ ندی ری، او دواړہ دلپ ہم د عامو وگړو او ہم د مشرتابہ لہ لاری تمثیل شوي دي۔ د مسیح بیتسما د درېیم

پرنس‌تپ پیغام دی، کله چې غنم او زیان‌وانسه سره بېلېږي، لکه څن‌گه چې لرغونی اسرائیل له هغې مسیحي ناوې څخه جلا کړل شو چې مسیح د لرغوني اسرائیل د قضاوت په ساعت کې ورسره واده وکړ.

د ۱۸۴۴ څخه تر ۱۸۶۳ پورې موده د سره سمندر له اوبو ټو څخه تر قادش کې د لومړي بغاوت پورې ده. ۱۸۴۴ د سره سمندر اوبو ټل دي؛ ۱۸۴۶ مټا ده، چې د سبت د ازمویښت نېټه ده، هغه ازمویښه چې وای‌ټانو په ۱۸۴۶ کې، کله چې هغوی واده وکړ، تېره کړه. په ۱۸۴۹ کې څښتن خپل لاس دوهم ځل وغځاوه تر څو خپل قوم راتول کړي. هغه هغوی د لومړي فرنس‌تپ د پیغام پر مهال راتول کړي وو، کله چې د حقوق د لוחو لومړۍ برخه په تاریخ کې راوړسېده، او دوهمه لوحه هم د همدې موخې لپاره ټاکل شوې وه.

جدول امگا ۱۸۵۰ برای گردآوردن و آزمودن بود، زیرا جدول آلفا ۱۸۴۳ نیز همین کار را می‌کرد. فرشته اول جدولی داشت، و فرشته سوم نیز جدولی داشت، زیرا اولی آلفا است و سومی امگا. «دو جدول» نشانه‌های راه فرشته اول و فرشته سوم‌اند—نه فرشته دوم. دوره نبوی «جداول» با جدولی همراه با خطا آغاز می‌شود و با جدولی بی‌خطا پایان می‌یابد. تاریخ میان این دو جدول، تاریخ فرشته دوم است، جایی که جدول تا سال ۱۸۵۰ کنار گذاشته می‌شود.

پس از آن که سال ۱۸۴۳ در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ به پایان رسید، نمودار ۱۸۴۳ کنار نهاده شد، زیرا آنگاه به‌اشتباه سال ۱۸۴۳ را پیشگویی کرده بود. از ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ تا ۱۸۵۰ هیچ جدول حقوقی وجود ندارد. در تاریخ فرشته دوم، هیچ نموداری نبود و—بابل سقوط کرد. الفایک جدول است، امگا یک جدول است، و میانه سقوط بابل است؛ نمادی از عصیان که با دوره‌ای مرتبط است که در آن هیچ جدولی وجود نداشت. دوره تاریخی جداول حقوق مهر حقیقت را بر خود دارد.

سال ۱۸۵۰ به‌وسیله سینا و اعطای شریعت مثل‌وار نشان داده شده بود. آن رویداد با پنطیکاست یادبود می‌یافت، هنگامی که دو نان جنباندنی برافراشته می‌شد. فرایند برافراشتن نان‌های جنباندنی با چاپ و ترویج جدول در ماه مه ۱۸۴۲، و نیز با تاریخ ۱۸۴۹، هنگامی که نمودار دوم آماده شد، و ۱۸۵۰، هنگامی که در دسترس قرار گرفت، بازنمایی می‌شود. این دوره در خط مسیح به‌صورت پنجاه روز از رستاخیز او تا پنطیکاست بازنمایی می‌شود، دوره‌ای که به چهل روز و سپس ده روز تقسیم می‌گردد.

در سال ۱۸۴۹، مسیح برای بار دوم دست خود را دراز می‌کرد، و در سال ۱۸۵۰، لوح دوم حقوق در دسترس بود و روند آزمون که به‌سوی قادش پیش می‌رفت، ادامه یافت. در سال ۱۸۵۶، آخرین ده آزمون اسرائیل باستان فرا رسید، هنگامی که نور جدیدی درباره مکاشفه نبوی بنیان‌گذارانه میلر در نشریه این جنبش منتشر شد. به مدت دو هزار و پانصد و بیست روز نبوی، از ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۳، جاسوسان برای تجسس زمین داخل شدند. در سال ۱۸۶۳، آنان رهبری تازه برگزیدند تا ایشان را به مصر بازگردانند.

ما این حقایق را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«در رؤیایی که در ۱۰ دسامبر ۱۸۷۱ در یوردوویل، ورمانت، به من عطا شد، به من نشان داده شد که موقعیت شوهرم بسیار دشوار بوده است. فشار مراقبت و کار بر او بوده است. برادران او در خدمت بشارت این بارها را بر دوش نداشته‌اند، و زحمات او را ارج نهاده‌اند. فشار پیوسته‌ای که بر او بوده، از لحاظ ذهنی و جسمی او را فرسوده است. به من نشان داده شد که رابطه او با قوم خدا، از برخی جهات، مشابه رابطه موسی با اسرائیل بود. هنگامی که اوضاع نامساعد بود، بر ضد موسی غرغرکنندگانی بودند، و بر ضد او نیز غرغرکنندگانی بوده‌اند.» Testimonies, volume 3.